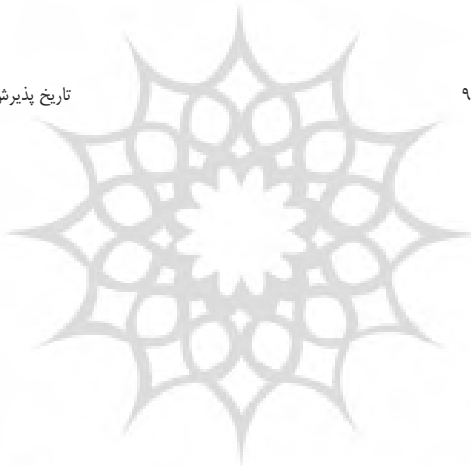


## ارزیابی مشارکت شهروندان در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای و عمرانی شهری (مطالعه موردی: شهر مینودشت)

علیرضا خواجه شاهکوهی<sup>۱</sup> - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران  
سید محمد حسن حسینی - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران  
رمضان طوسی - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۳/۲۶



### چکیده

تهیه طرح‌های عمرانی توسط مدیریت شهری در جهت رفاه، آسایش و آرامش شهروندان است. عدم توجه به نظرات و خواسته‌های شهروندان در تهیه و اجرای طرح‌ها موجب می‌گردد که طرح‌های پیشنهاد شده، با علایق و ساختار محیطی و ذهنی شهروندان در تناقض باشد. این تناقض منجر به عدم همکاری و مشارکت شهروندان در تهیه، اجرا و نگهداری و حفاظت از طرح‌ها را منجر شده و موجب دوباره کاری و هدر رفت انرژی، وقت و هزینه‌های اضافی می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مشارکت شهروندان در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای و عمرانی شهر مینودشت انجام شده است که بدین منظور روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش را سرپرست خانوارهای شهر مینودشت تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و روش تعیین حجم نمونه‌ی کوکران از بین جامعه‌ی مورد مطالعه (۷۷۷۷ سرپرست خانوار) تعداد ۲۵۰ نفر سرپرست خانوار انتخاب و پرسش‌نامه به صورت تصادفی ساده بین آن‌ها توزیع شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری متناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهند که مشارکت صورت گرفته از سوی شهروندان، عمدتاً مالی می‌باشد. بطور کلی پروژه‌ها و فعالیت‌های انجام شده موجبات رضایتمندی شهروندان و فایده‌مندی برای آنان را فراهم نکرده و همچنین بیانگر آن بوده که میزان مشارکت با میزان درآمد و سطح تحصیلات رابطه‌ی معناداری نداشته و اساساً مشارکت مقوله‌ای درونی و خودجوش است.

واژه‌گان کلیدی: مشارکت، مدیریت شهری، مدیریت مشارکتی، شهر مینودشت.

## ۱. مقدمه

با رشد سریع شهرگرایی در چند دهه‌ی اخیر در جوامع در حال توسعه، اغلب شهرهای این جوامع دچار مشکلات عمده‌ای از جمله افزایش ناهنجاری اجتماعی، کمبود مسکن و خدمات اصلی شهری، اسکان غیررسمی و تخریب محیط زیست، شده‌اند. لزوم توجه و حل مسائل و مشکلات در این شهرها، اکثر مدیران شهری را به مشارکت و همکاری شهروندان جهت حل این مشکلات سوق داده است. امروزه، از راهکارها و راهبردهای مؤثر، اثر بخش و کارساز در مسأله مدیریت که در قالب مدیریت‌های استراتژیک، آینده‌نگر و مشارکتی متجلی می‌شود، استفاده از استعدادها، پتانسیل‌ها و سرمایه فکری، فیزیکی و مادی بخش خصوصی و مردمی است (ایمانی‌جاجرمی و همکاران، ۱۳۸۱: ۹۷).

از جنبه‌های مهم مشارکت، نقش شهروندان در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی شهر می‌باشد. تحقق اهداف پروژه‌های عمرانی شهر در سایه‌ی مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و ارزش‌گذاری خواسته‌های اکثر مردم پیش از عرضه‌ی طرح است و در نهایت پس از اجرای پروژه باید فرهنگ‌سازی در جهت جلب حمایت شهروندان انجام پذیرد (خاکساری، ۱۳۸۵: ۱۴۱). ارتباط تنگاتنگی بین تحقق‌پذیری و مشارکت وجود دارد، یعنی اگر طرحی نتواند مشارکت را جلب کند یقیناً تحقق‌پذیر نیست (محمدجعفر، ۱۳۸۶: ۵). مشارکت شهروندان در مراحل مختلف تهیه و اجرای طرح باعث می‌شود که طرح‌ها تا حدود زیادی در تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی با موفقیت همراه باشد و بتوانند با اتکا بر داده‌های موثق و نیازها و پشتوانه‌ی مردم، موفقیت خود را تنظیم کنند (تشکر، ۱۳۷۹: ۸).

در مقابل مشارکت شهروندان (برنامه‌ریزی از پایین)، شهرسازی اجباری (برنامه‌ریزی از بالا)، قرار دارد. میسرأ به انحصاری شدن برنامه‌ریزی در جوامع در حال توسعه اشاره می‌کند و معتقد است، برنامه‌ریزی که تربیت می‌شوند متعصب هستند و بیش‌تر به حرفه و تخصص خود توجه دارند تا شهروندان. در واقع این نوع برنامه‌ریزی همراه با مردم نیست و این برنامه‌ریز فقط بخشی از فرآیند توسعه را در می‌یابد اما می‌پندارد که تمامی آن را در یافته است و نتیجه می‌گیرد به برنامه‌ریزان و مدیرانی نیازمندیم که بتوانند با مردم کار کنند و نه برای مردم (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۶). در ایران در سال‌های اخیر به‌نحو فزاینده‌ای سخن از مشارکت شهروندان در تمامی امور مطرح بوده است. این مشارکت به شکلی نامعلوم و نامطلوب در حوزه‌ی شهرسازی ظهور یافته است، به‌طوری‌که می‌توان گفت در مشارکتی که هم اکنون در حوزه‌ی شهرسازی مطرح است، مفهوم مشارکت، قلب ماهیت شده است و هسته مرکزی آن نیز قدرت یافتن شهروندان و تأثیرگذاری آن‌ها بر طرح‌های شهری می‌باشد. متأسفانه امروزه شهروندان در اداره‌ی امور شهر و برنامه‌ریزی برای آن، نقش زیادی نداشته و بعد از شرکت در انتخابات اعضای شوراهای فعالیت مؤثر دیگری ندارند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳) و شهروندان در اکثر برنامه‌ها و پروژه‌های عمرانی شهر، کم‌ترین نقش را در مراحل انجام طرح و پروژه داشته و دارند. مسائل و مشکلات مربوط به جنبه‌های انسانی، از مجموعه عوامل مؤثر در عدم اجرای طرح‌های توسعه‌ی شهری می‌باشد که در مواردی هم‌چون عدم مشارکت مردم، اعمال نفوذ مقامات محلی، مقاومت مردم در برابر طرح و... متجلی می‌شود (مشاور شارمند، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

رویه‌ی بیشتر برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های شهری، که در جهان به صورت طرح‌های جامع تهیه می‌شود متفاوت است، به گونه‌ای که از مهم‌ترین تغییرات در روند تهیه و اجرای طرح‌ها به وجود آمده نقشی است که به مشارکت مردم در این طرح‌ها داده می‌شود (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۲). باتوجه به این نکته که مشارکت جزو جداناپذیر هر نوع برنامه و طرح عمرانی می‌باشد، در نتیجه مشارکت باید هدف باشد. حضور و مشارکت شهروندان در فرآیند تهیه طرح‌های توسعه می‌تواند در افزایش کیفیت طرح، مؤثر بوده و اجرایی شدن آن را ضمانت کرده و از صرف هزینه‌های اضافی سنگین، ناکارآمدی و دوباره و چندباره کاری در اجرای پروژه‌ها بکاهد و طرح‌های عمرانی را به‌ترتیب اولویت مورد نظر شهروندان، تهیه و اجرا می‌کنند.

مفهوم مشارکت در شهرهای ایران، در حد شعار باقی مانده است و هدف اصلی مدیران و برنامه‌ریزان شهری از طرح مفهوم مشارکت، نگاهی ابزاری در جهت تأمین عمده‌ی منافع برنامه‌ریزان و کارفرمایان است. در بخش عمده‌ای از طرح‌ها نظرخواهی از شهروندان صورت نمی‌گیرد، حق اعتراض به طرح و نظارت شهروندان وجود ندارد و جریان عمدتاً یک سویه است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳). سیستم مدیریت شهری در ایران در روند تهیه طرح‌های شهری، نقشی انفعالی دارد و از مشارکت و نظرسنجی شهروندان در تهیه طرح‌های شهری نیز بهره‌ای نبرده و نمی‌برد. در ایران طرح‌های شهری عمدتاً به مشاورین برگزیده از طریق رابطه و نه ضابطه، از سوی کارفرما (سازمان دولتی) واگذار می‌شود، و مشاورین نیز مطابق شرح خدمات ابلاغی کارفرما مبادرت به تهیه طرح می‌کند. مشاورین طرح، که اغلب غیربومی هستند، ارتباط تنگاتنگی با اهالی شهر مربوطه برقرار نمی‌کنند و به‌طور سیستماتیک نیز اجباری در برقراری این نوع ارتباط ندارند (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۸). از سوی دیگر، اگرچه، شهرداری (مدیریت شهری)، سازمانی عمومی و غیردولتی است، اما همچنان (مسئولان و کارکنان) شهرداری خود را، مسئول کارگزاران دولتی مافوق خود می‌داند و نه مردم شهر (مزینی، ۱۳۷۴: ۲۱۷)؛ و مشارکت شهروندان را به عنوان تهدیدی برای قدرت خود تلقی می‌کند و آن را بر نمی‌تابد (رضوی‌الهاشم و موسایی، ۱۳۸۸: ۱۶۴). این در حالیست که، بدون همکاری و مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر، شهرداری موفقیت چندانی نخواهد داشت (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۹۴).

این امر منجر شده است که شهروندان خود را جدا از مدیران شهر (داری) و فعالیت‌های عمرانی دانسته و تمایل کمتری به مشارکت و همکاری در تهیه و اجرای طرح‌ها از خود نشان دهند. این در حالیست که مدیران شهری برای کنترل رشد و توسعه‌ی شهر از طرح‌های توسعه و پروژه‌های عمرانی پیشنهاد شده در این طرح‌ها استفاده می‌کنند. این قبیل طرح‌ها بدون توجه به مشارکت شهروندان تهیه می‌شود. این امر، عدم مشارکت شهروندان را در تهیه، اجرا و نگهداری طرح‌ها و پروژه‌ها، افزایش می‌دهد. توجه به این نکته که، خواست نهایی مدیران و تصمیم‌سازان شهری و همچنین هدف غایی و پایانی طرح‌های توسعه و پروژه‌های عمرانی شهر، برقراری نظم، توسعه، عدالت، رفاه اجتماعی و افزایش کیفیت محیط و زندگی در سطح شهر می‌باشد، باید توجه لازم و کافی به مشارکت شهروندان و اعمال نظر آن‌ها در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی شهر داشت. در واقع، مشارکت شهروندان، باید رکن اصلی اجرای طرح‌های توسعه و پروژه‌های عمرانی شهر باشد. با توجه به مطالب ارائه شده، سوال‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- آیا طرح‌های انجام گرفته در شهر، برای شهروندان اثر و فایده‌ای داشته است؟
- آیا بین فایده‌مندی طرح‌های تهیه شده و نیازهای شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟
- آیا بین مشارکت شهروندان و سطح تحصیلات و میزان درآمد رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

## ۲. مروری بر ادبیات تحقیق

### ۲-۱. پیشینه تحقیق

وایلدمن و فه‌مرز، سال ۱۹۹۳م در یک اثر مشترک با نام مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری مدیریت دورریزها: تجزیه و تحلیل مدیریت تضادها، به نقش مشارکت شهروندان می‌پردازند. در ۱۹۹۴ م، دورسی و همکاران، در رساله‌ی خود درگیری مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومت: انتخاب مدل مناسب، نردبان‌های مشارکت مشابهی را ارائه کرده‌اند که در تمام آن‌ها، نظارت و کنترل شهروندی کلید واژه اصلی بحث مشارکت می‌باشد (پیران، ۱۳۸۷: ۷۵۸). دیوید دریسکل (۲۰۰۲) در تحقیق خود مشارکت را بر سه اصل مبتنی می‌داند: الف) توسعه در وهله‌ی اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد، ب) مردمی که در آن منطقه‌ی برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند دقیق‌ترین اطلاعات را در مورد منطقه و موضوعات مرتبط با آن دارند و ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در

روند تصمیم‌گیری دارند (Driskell, 2002:32). اِکستروم و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافته‌اند که بین رضایتمندی بهداشتی با میزان مشارکت شهروندان در فعالیتهای اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (Ekstrom and et al, 2007).

در بخش پژوهش‌های داخلی نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ شریف‌زاده و صدیقی (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر رامورد بررسی قرار داده؛ و مهدیه عربی‌فر (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه، با این نتیجه که حضرت علی (ع) به شهروندی مبتنی بر محوریت حق و تکلیف به صورت متقابل معتقد بوده، پرداخته است. مسعود تقوایی و همکاران (۱۳۸۹) عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در تبریز را مورد سنجش قرار داده‌اند. صالحی‌فرد و علی‌زاده (۱۳۹۰)، در شهر مشهد به بررسی اثرات مشارکت شهروندی در بهبود خدمات شهری پرداخته است.

## ۲-۲. مبانی نظری

مدیریت، روش دستیابی به اهدافی است که برای سازمان در نظر گرفته می‌شود. مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است و هدف از آن تقویت سازمان‌های دولتی و غیر دولتی برای شناسایی برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگون و پیاده‌سازی آن‌ها با نتایج بهینه است (پاپلی‌یزدی و رجی‌سناجردی، ۱۳۸۹: ۳۲۲)؛ و به بررسی مسائل فضایی می‌پردازد که شهروندان با آن درگیر هستند (Thooening, 1970:387). از این‌رو، شالوده‌ی مدیریت شهری عبارت است از، بر عهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگی‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه‌ی شهری؛ و بر مهم‌ترین مشکلات شهری تمرکز دارد (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۷۰۷)؛ بانک جهانی این مشکلات مهم و اصلی را بدین شرح معرفی کرده است: حکمروایی و مالیه‌ی شهری؛ ایجاد قابلیت رقابت بین شهرها؛ توان فراگیر و عینی برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛ ترغیب اشتغال؛ توان تأمین خدمات عمومی به صورتی کارآمد؛ و توان مدیریتی محیط شهری (همان، ۲۰۰۸). از مظاهر مدیریت شهری، شهرداری‌ها می‌باشند که مهم‌ترین مدیر اجرایی طرح‌های عمرانی در شهرهای ایران می‌باشند. از زمانی که شهرها پا گرفته‌اند وظیفه‌ی تأمین نیازمندی‌های شهر، بر عهده مدیریت شهری قرار گرفت. این وظایف پایه اولیه تشکیل شهرداری‌ها شدند (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۳۳). شهرداری سازمانی است که با بهره‌گیری از الگوها و مفاهیم دانش مدیریت شهری وظیفه مدیریت و اداره‌ی امور شهر را بر عهده دارد (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۱: ۴۳). اهداف مدیریت شهری (در ایران) را، برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور، طرح‌های شهری و قانون شهرداری‌ها تعیین می‌کنند. شهرداری‌ها در ایران چهار وظیفه اصلی عمرانی، خدماتی، نظارتی و رفاه اجتماعی دارند. در این میان وظایف عمرانی و خدماتی شهرداری بیشتر در بین شهروندان نمایان هستند (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۷). طرح‌های شهری بنیادی‌ترین ابزار شکل‌دهی شهرها براساس نظم و برنامه از پیش اندیشیده شده محسوب می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۱۷)؛ و از یک طرف از طرح‌های ملی و جامع نشأت می‌گیرند و از طرف دیگر از نیروهای عرفی و ارزشی حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرند (نوریان و شریف، ۱۳۷۹: ۱۴).

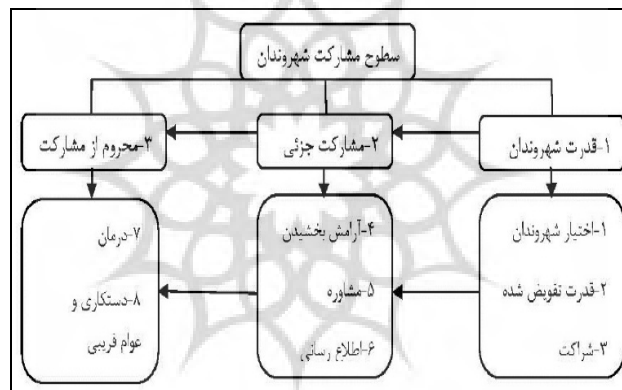
مشارکت شهروندان به عنوان نهضتی با هویت و سازمان‌یافته، به تجربه نوسازی در آمریکا باز می‌گردد؛ این مشارکت ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت (هوپی‌زن، ۱۳۷۷: ۹۶). در نظام سنتی مشارکت، کارگزاران شهری کنترل توان‌مندی شهروندان برای اثرگذاری بر موقعیت و فرآیندها را بر عهده دارند. این سیستم به مدیران شهری این اختیار را می‌دهد که با توانایی و آگاهی‌های خود، به طرح موضوع و اتخاذ تصمیم بپردازند. در واقع مدیران به‌جای شهروندان تصمیم می‌گیرند و به‌جای این‌که شهروندان موضوع را تعیین کنند، در برابر عمل انجام شده قرار گرفته و به نتایج عمل مجریان واکنش نشان داده و به قضاوت می‌پردازند. آرنشتین معتقد است که کارگزاران سیستم اداری فاقد دوراندیشی لازم و کافی هستند. در برابر ارایه اطلاعات مقاومت می‌کنند و برای اعمال نقش ساختارهای اداری،

تکیه بر دانش فنی و تخصصی خود دارند. به این ترتیب شهروندان نقشی ندارند و به مداخله غیر مستقیم در طرح‌های شهری محدود می‌گردند (دارابی، ۱۳۸۷: ۷۱۱). راجر، مشارکت شهری در اجرای پروژه توسعه شهر را در شش سطح تقسیم‌بندی می‌کند:

- مشارکت شهری خودجوش - حضور خودجوش مردم؛
- مشارکت شهری فعال - همکاری مردم و مجریان پروژه؛
- مشارکت شهری منفعل - حضور فیزیکی صرف مردم؛
- مشارکت شهری کارکردی - قرار گرفتن مردم در جریان پروژه؛
- مشارکت شهری نامؤثر - حضور مردم در نهادها بدون حق رأی؛

- مشارکت شهری مشورتی - مشاوره دادن به مجریان پروژه (نجاتی‌حسینی، ۱۳۷۹: ۸).

در مطالعات شری آرنشتین در مورد مشارکت شهروندان، مشارکت تنها با توانمندسازی شهروندان و کنترل آن‌ها در برنامه‌ها و پروژه‌ها تحقق پیدا می‌کند (پیران، ۱۳۸۷: ۷۵۸). در این تحقیق او کنترل و اختیار شهروندان را در تهیه و اجرای طرح‌ها، بالاترین درجه‌ی مشارکت می‌داند. آرنشتین، در بیان جایگاه حضور شهروندان در هر طرح و پروژه‌ای، که تا چه حد و تا چه میزان این مشارکت می‌تواند مؤثر باشد، سطوح زیر را برای مشارکت شهروندان ارائه کرده است:



شکل ۱. سطوح مشارکت شهروندان از نظر آرنشتین

جان ترنر از پیشگامان نظریه‌ی مشارکت مردمی، با توجه با دو عامل پشتیبان‌کننده (دولت) و استفاده‌کننده (شهروند) چهار رویکرد مشارکتی را بیان می‌کند که به ترتیب زیر می‌باشند (مطوف، ۱۳۸۳ و فلاحی، ۱۳۸۳: ۱۳):

۱. دولت تصمیم می‌گیرد- دولت می‌سازد (رایج در کشورهای قدرتمند و ثروتمند و کشورهای تک‌محصولی صادرکننده نفت)؛

۲. دولت تصمیم می‌گیرد- مردم می‌سازند (رایج در کشورهای با دولت قدرتمند و نه ثروتمند)؛

۳. مردم تصمیم می‌گیرند- دولت می‌سازد (رایج در کشورهای اسکاندیناوی)؛

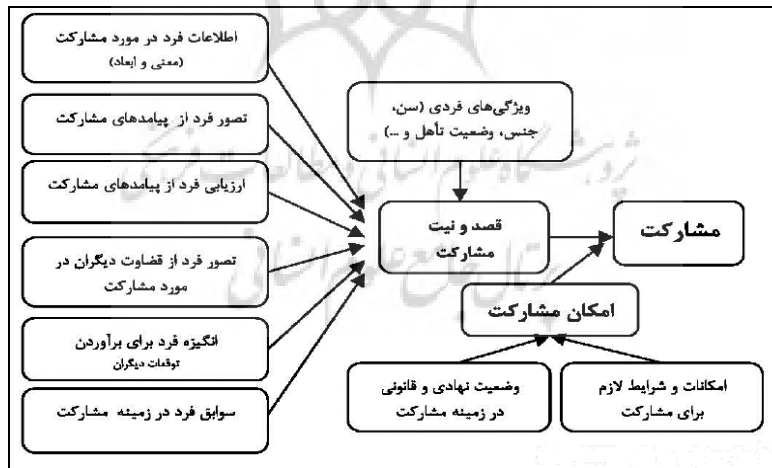
۴. مردم تصمیم می‌گیرند- مردم می‌سازند (رایج در کشورهای با شهروندانی فقیر نظیر هند).

از مشارکت تعاریف متعددی از نظر نوع نگرش شده است. گروهی مشارکت را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف می‌دانند. وسیله‌ای برای رشد آگاهی‌های اجتماعی و تشویق پیش‌گامی در فعالیت‌های محلی به شمار می‌آید و هدف آن است که ساختار تصمیم‌گیری محلی باید مداخله‌ی شهروندان را در موضوعاتی که مستقیماً با نیازهای آنان مرتبط است، تشویق و تسهیل کند. گروه دیگر مشارکت را هدف می‌دانند. از این دیدگاه، مشارکت مجموعه روش‌ها و فرآیندها، نگرش‌ها و فعالیت‌هایی اتلاق می‌شود که منجر به افزایش توانایی‌های شهروندان می‌شود و آن‌ها را در کنترل عوامل تأثیرگذار بر

محیط زندگی یاری می‌کند. در واقع، مشارکت عبارت است از فرآیند توانایی مستمر، با ثبات و پایدار به منظور شناسایی و تحلیل مشکلات، تنظیم کردن و ارایه راه‌حل‌ها، تحرک منابع و به کارگیری آن‌ها در همه سطوح نیازهای توسعه مردم تا کنش‌گران بتوانند بر فرآیندهایی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد نظارت و کنترل داشته باشند (Peris & et al, 2011: 85). آمارتیا سن، مشارکت را قدرت و توانایی مردم برای دگرگونی واقعیت از طریق تغییرات اجتماعی می‌داند (Sen, 1999: 86).

به عقیده‌ی کوهن و آپهوف، مشارکت عبارت است از شرکت شهروندان در تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه (منظمی‌تبار، ۱۳۸۵). آرنشتین معتقد است، مشارکت تنها با توانمندسازی شهروندان و کنترل آنان در برنامه‌ها و پروژه‌ها تحقق پیدا می‌کند. آرنشتین مشارکت شهروندان را چنین تعریف کرده است: توزیع مجدد قدرت به‌نحوی که شهروندان تهی‌دست، یعنی آنانی که از فرآیندهای سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند و به حساب نمی‌آیند، به‌نحوی توانمند شوند که در آینده عالماً و عامداً حساب آیند (پیران، ۱۳۸۷: ۷۵۸). کورپی، در نظریه خود با عنوان تعادل قدرت، انتخاب سطح مناسب مشارکت در هر جامعه را بیان می‌کند؛ مطابق این نظریه، احتمال مشارکت شهروندان در یک پروژه و طرح، تابعی از احتمال ذهنی و ادراک شده‌ی مردم در رسیدن به هدف و انتظار فایده از این مشارکت است (مؤذن‌جامی، ۱۳۷۸). لی پریستون و جمیز پست، مشارکت را، پس از سلسله مراتب و جدایی مدیریت از مالکیت، انقلاب سوم در مدیریت نام‌گذاری کرده‌اند (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سناجردی، ۱۳۸۹: ۳۲۶).

مشارکت شهروندان در سطوح مختلف و درجات متفاوت تحقق می‌یابد، به‌عبارتی دیگر بین ورود به مشارکتی تشریفاتی و تصنعی و مشارکتی که نشانگر قدرت واقعی تأثیر در نتایج و فرآیند برنامه‌ریزی‌ها است، تفاوت وجود دارد (Arnersterins, 2006:21). روند مجموعه عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان و تأثیرگذاری آن‌ها، تحت تأثیر دو بعد ذهنی و عینی مشارکت قرار دارد. مشارکت توسط یک فرد هنگامی صورت می‌پذیرد، که اولاً قصد و نیت او برای مشارکت مشخص شده و انگیزه کافی برای مشارکت داشته باشد (بعد ذهنی)؛ ثانیاً امکان مشارکت (بعد عینی) برای فرد خواهان مشارکت فراهم باشد (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۸).



شکل ۲. مجموعه عوامل ذهنی و عینی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان؛ (منبع: علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۷۲)

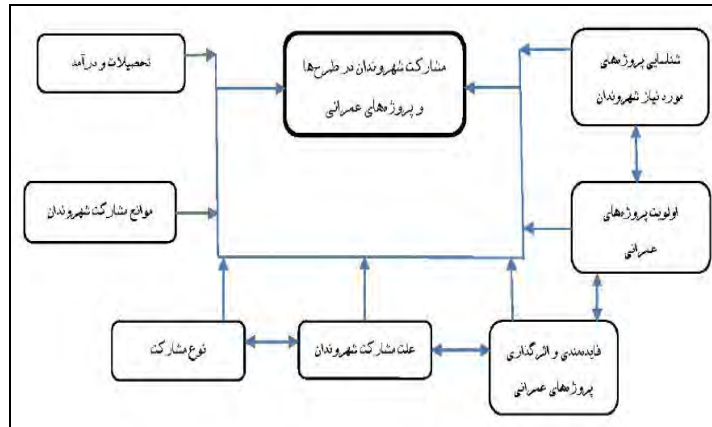
برنامه‌ریزی ارتباط نزدیکی با مدیریت مشارکتی دارد. مدیریت مشارکتی سازوکار تسهیم قدرت بین مردم و نهادهای محلی، منطقه‌ای و ملی در فرآیند تخصیص منابع و برنامه‌ریزی است؛ و از سوی دیگر عبارت است از نظامی که طی آن، بازتاب ارزش‌های کانونی مشارکت در فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی عینیت می‌یابد (دارابی، ۱۳۸۷: ۷۱۱-۷۱۰).

برنامه‌ریزی مشارکتی دارای ۴ مرحله‌ی، رایبه اطلاعات پروژه و برنامه به افراد ذی‌نفع، مشاوره و هم‌فکری مدیران و برنامه‌ریزان با افراد ذی‌نفع، تصمیم‌گیری توأم با تفویض قدرت تصمیم‌گیری به افراد ذی‌نفع و اولویت‌بندی اقدامات می‌باشد (همان، ۷۱۳). مشارکت در برنامه‌ریزی فرآیندی از تحقیق و گفتمان است که از طریق آن عقاید خود را به متصدیان امور اعلام می‌دارند تا به این وسیله‌ی درکی چندجانبه از نیازهای خود به‌دست دهند. متصدیان از سوی دیگر علل و اثرات این نیازها را تجزیه و تحلیل می‌کنند و به تصمیمی مشترک و مؤثر دست می‌یابند (دارابی، ۱۳۸۷: ۷۵۴). از نگاه صاحب‌نظران، مشارکت شهروندان در روند توسعه از اعتبار زیادی برخوردار بوده و گاه آن را معادل توسعه می‌دانند. مشارکت، انسان‌های ناتوان را به سوی توانمندی‌ها هدایت می‌کند و توانمندی‌های بالقوه‌ی آنان را به بالفعل تبدیل می‌کند. مشارکت، بهره‌گیری از کمک شهروندان در پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان است. سلسله مراتب مشارکت به ترتیب توانمندسازی، همیاری، توافق/مصالحه، برخورد دوگانه، دیپلماسی، اطلاع‌رسانی، تبانی و خود مدیریتی، می‌باشد (همان، ۷۵۵).

سوق‌دهی مردم به‌سوی مشارکت، در اعتمادسازی دو سویه بین مردم و مسئولین نقشی مهم و ضروری را بازی می‌کند (Marshal, 2004:235). امروزه مدیریت یک‌سو و اقتدارگرایانه در برخورد با پدیده‌های اجتماعی و شهری، مقاومت مردم را دنبال داشته و تئوری‌های برنامه‌ریزی جوهری، جای خود را به برنامه‌ریزی مشارکتی داده‌اند. دو محور بنیادین نظام شهرسازی امروزی یعنی مشارکت عمومی در تهیه، اجرا و بهره‌برداری طرح‌ها و طی مسیر توسعه‌ی پایدار در همه‌ی نظام‌های شهرسازی جهان پذیرفته شده و رعایت می‌گردد (سجادی و محمدی، ۱۳۹۰: ۵۶). نظریه‌پردازان، نظریه‌ی مشارکت (Participation) را توسعه داده و متحول کردند تا به نظریه شراکت (Partnership) رسیدند. براساس نظریه شراکت، محققین معتقدند که دولت و مردم باید مانند دو شریک دارای منافع مشترک و با حقوق و اختیارات معین در کلیه کارهای مربوط به توسعه و اداره‌ی امور ملی و محلی کشور دوش‌به‌دوش یکدیگر و هماهنگ با یکدیگر، فعالیت کنند (مطوف، ۱۳۷۸: ۵۱). در جوامع توسعه نیافته مشارکت، صرفاً در اجرا مد نظر است. در دیدگاه مشارکت همه‌جانبه هدف اصلی سازمان‌دهی مشارکتی گروه‌هایی است که به‌طور فعال، در تعیین سرنوشت خود دخالت کرده و نقش جلب و هدایت مشارکت مردمی در سطح جامعه را به‌صورت حرکتی پویا و همراه با برنامه‌ریزی به عهده گیرند (مطبعی‌لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۱).

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

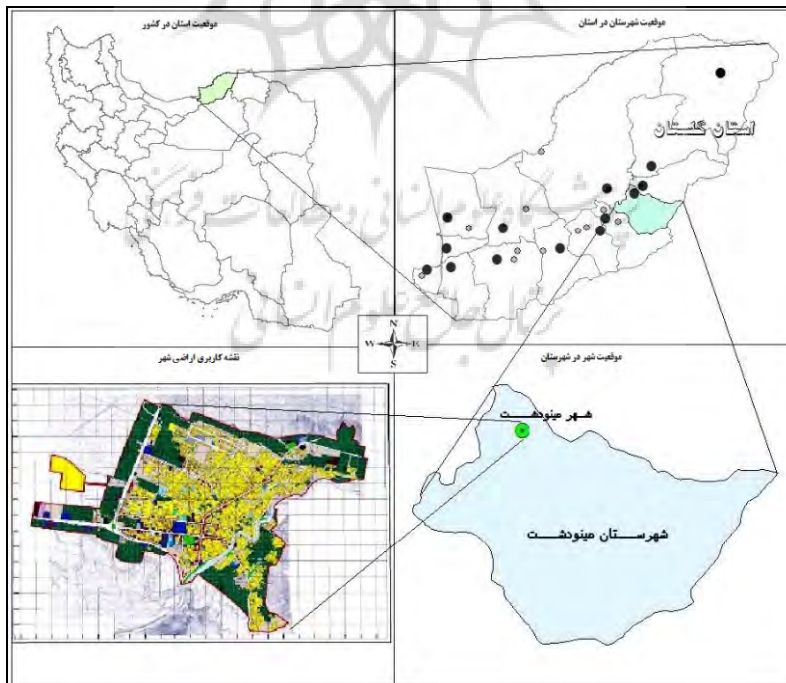
تحقیق حاضر از لحاظ هدف، توسعه‌ای-کاربردی است و نحوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها میدانی-پیمایشی می‌باشد. محدوده‌ی مورد مطالعه و جامعه‌ی آماری پژوهش کلیه‌ی سرپرستان خانوار شهر مینودشت (استان گلستان) می‌باشد که با بهره‌گیری از فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد ۲۶۰ نمونه انتخاب و اطلاعات توسط پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شده است. به منظور تعیین قابلیت اعتماد یا پایایی پرسش‌نامه، آزمون مقدماتی با ۳۰ پرسش‌نامه، به‌وسیله‌ی آلفای کرونباخ و با استفاده از نرم‌افزار SPSS ارزیابی انجام شد. نتایج نشان داد که که آلفای کرونباخ ارزیابی شده برای پرسش‌نامه ۰.۸۱۶ بدست آمد، که نشان دهنده‌ی قابلیت بالایی از اعتماد و اطمینان ابزار مورد تحقیق می‌باشد. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصله از تحلیل‌های آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی و آمار استنباطی شامل آزمون‌های اسپیرمن، کای اسکوئر یک‌طرفه، رگرسیون لجستیک، استفاده شده است.



شکل ۳. مدل مفهومی مشارکت شهروندان در پروژه‌های عمرانی

#### ۴. معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه شهر مینودشت در طول جغرافیایی ۵۵ درجه و ۲۲ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱۳ دقیقه شمالی و در شرق استان گلستان واقع شده است. ارتفاع از سطح دریاهای آزاد در مرکز شهر، ۱۸۰ متر می‌باشد. فاصله شهر تا مرکز استان، گرگان، ۱۰۰ کیلومتر می‌باشد. مینودشت از سال ۱۳۳۳ دارای سابقه مدیریت شهری (شهرداری) می‌باشد. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، شهر مینودشت، دارای ۷۷۷۶ خانوار و ۲۸۴۷۸ نفر جمعیت، می‌باشد.



شکل ۴. موقعیت سیاسی شهر مینودشت



### ۵. یافته‌های تحقیق

از مجموع نمونه‌ی آماری، ۸۳٫۸ درصد مرد و ۱۶٫۲ درصد زن؛ و ۷۹ درصد متأهل و ۲۱ درصد مجرد می‌باشند. میانگین سنی آن، ۳۸ سال، انحراف معیار ۱۲٫۲، حداقل سن ۲۰ و حداکثر سن ۷۷ سال می‌باشد. میزان تحصیلات نمونه آماری، ۱۰٫۵ درصد بی‌سواد، ۹٫۵ درصد ابتدایی، ۷٫۶ درصد راهنمایی، ۲۶٫۷ درصد دبیرستان و دیپلم، ۵٫۷ درصد کاردانی، ۳۱٫۴ درصد کارشناسی، ۷٫۷ درصد کارشناسی ارشد و ۲ درصد دکترا می‌باشند. به لحاظ میزان درآمد، ۱۶٫۲ درصد زیر ۲۰۰ هزار تومان، ۲۷٫۶ درصد بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار، ۳۴٫۳ درصد بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار، ۵٫۷ درصد بین ۸۰۰ تا یک میلیون تومان و ۱۱٫۴ درصد بیش از یک میلیون تومان، درآمد دارند. نوع مشارکت شهروندان شهر مینودشت، به ترتیب، مالی (۶۲٫۹ درصد)، یدی (۳۱٫۷ درصد) و مشاوره‌ای (۴٫۴ درصد)، می‌باشد. دلیل مشارکت نیز به ترتیب، سرنوشت خود و توسعه شهر (۳۶٫۲ درصد)، مالیات و عوارض (۲۵٫۷ درصد)، همدلی و مسئولیت‌پذیری (۲۰ درصد) و اشتغال و درآمدزایی (۱۴٫۳ درصد) ذکر شده است.

جهت بررسی و ارزیابی میزان اهمیت هر یک از مهم‌ترین موانع بر سر راه مشارکت‌پذیری شهروندان، در سطح شهر مورد مطالعه از آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر یک‌طرفه استفاده گردید. نتایج حاصل از این آزمون نشانگر آن است که بیشتر شهروندان شهر مورد مطالعه، پایین بودن آگاهی و سواد شهروندان، اهمیت ندادن دولت و مدیران شهری به مشارکت شهروندان، عدم وجود منفعت برای شهروندان، عدم استطاعت مالی و درآمد پایین شهروندان، عدم انسجام اجتماعی و وجود اختلاف محلی، با سطح اطمینان ۹۹ درصد موانع مهم و چالش‌های اساسی بر سر راه مشارکت‌پذیری شهروندان در امور شهری ذکر نموده‌اند.

جدول ۱. مهم‌ترین موانع بر سر راه مشارکت شهروندان؛ با آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر یک طرفه

نتیجه		سطح معناداری	درجه آزادی	Ch-square	متغیرها
رد	تایید	sig.	df		
	✓	۰۰۰۰	۴	۴۴٫۳۵۳	پایین بودن سطح آگاهی و سواد مردم
	✓	۰۰۰۰	۳	۵۷٫۰۲۰	اهمیت ندادن دولت و مدیران شهری به مشارکت
	✓	۰۰۰۰	۳	۲۱٫۸۱۴	عدم وجود منفعت (اقتصادی- اجتماعی) برای مردم
	✓	۰۰۰۰	۳	۴۸٫۷۳۶	عدم استطاعت مالی و درآمد پایین شهروندان
	✓	۰۰۰۰	۴	۳۳٫۸۸۹	عدم انسجام اجتماعی و وجود اختلاف محلی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

جهت بررسی و ارزیابی میزان فایده‌مندی و اثرگذاری هر یک از نوع فعالیت‌های انجام شده در سطح شهر مورد مطالعه، از آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر یک‌طرفه استفاده گردید (جدول ۱۲). نتایج حاصل از این آزمون بیانگر آن است که بیشتر شهروندان شهر، فعالیت‌های اجرای پروژه‌های عمرانی و زیربنایی، حفاظت آب‌های سطحی، حفاظت محیط زیست، احداث بوستان و فضای سبز، توسعه‌ی فضاهای آموزشی و احداث مدرسه و کتابخانه، ایجاد و احداث سالن و زمین‌های ورزشی، حمایت و جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای افراد ناتوان، حفظ بهداشت عمومی و دفع اصولی زباله‌ها و فاضلاب، اجرای قوانین دولتی، برقراری نظم و انتخابات و اجرای طرح‌های پیشگیری از بلایای طبیعی با سطح اطمینان ۹۹ درصد و برگزاری جلسات و گردهمایی‌های آموزشی با سطح اطمینان ۹۵ درصد، اجرای فعالیت‌ها را فایده‌مند و اثرگذار برای شهر و شهروندان می‌دانند.

جدول ۲. فایده‌مندی فعالیت‌های انجام شده در شهر؛ با آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر یک طرفه

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	Ch-square	متغیرها		
					df	df
رد	تایید	df	df	df	df	df
	✓	۰.۰۰۰	۴	۶۳.۳۳۳	۴	اجرای پروژه‌های زیر بنایی (راه‌سازی، پل‌سازی و ...)
	✓	۰.۰۰۰	۴	۴۲	۴	حفاظت آب‌های سطحی و لایروبی رودخانه
	✓	۰.۰۰۰	۴	۳۹.۱۷۶	۴	حفاظت محیط زیست و احداث بوستان و فضای سبز
✓		۰.۸۵۶	۴	۱.۳۳۳	۴	ایجاد اشتغال و درآمدزایی
✓		۰.۷۶۱	۴	۱.۸۶۲	۴	ایجاد کارگاه‌های تولیدی و صنایع دستی
	✓	۰.۰۰۰	۴	۴۲.۷۹۴	۴	توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی
✓		۰.۱۶	۴	۱۲.۲۰۷	۴	برگزاری جلسات و گردهمایی‌های آموزشی
	✓	۰.۰۰۰	۴	۳۲.۷۱۹	۴	ایجاد و احداث سالن و زمین ورزشی
	✓	۰.۰۰۰	۴	۳۴.۵۹۴	۴	حمایت و جمع‌آوری کمک‌های مردمی
✓		۰.۲۴۰	۴	۵.۵۰۰	۴	تسهیلات اعتباری و مالی برای شهر و شهروندان
	✓	۰.۰۰۰	۴	۲۵.۶۰۰	۴	حفظ بهداشت عمومی و دفع اصولی زباله‌ها و فاضلاب
	✓	۰.۰۰۰	۴	۶۱.۴۴۸	۴	اجرای قوانین دولتی، برقراری نظم و انتخابات
	✓	۰.۰۰۰	۴	۲۵.۱۱۱	۴	اجرای طرح‌های پیشگیری از بلایای طبیعی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

جهت بررسی و ارزیابی رابطه بین تلاش مسئولین و برنامه‌ریزان برای شناسایی مسائل و نیازهای شهروندان و میزان فایده‌مندی فعالیت‌های انجام شده در سطح شهر (۱۳ مؤلفه)، از آزمون اسپیرمن استفاده شد که نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بین شناسایی نیازهای مردم توسط مسئولین و برنامه‌ریزان و فعالیت‌های حفاظت و نگهداری آب‌های سطحی، حفظ بهداشت عمومی و دفع اصولی زباله‌ها و اجرای قوانین دولتی و نظم و انتخابات، با سطح اطمینان ۹۵ درصد معناداری وجود دارد. هم‌چنین بین فعالیت‌های انجام شده دیگر (اجرای پروژه‌های عمرانی و زیربنایی، حفاظت از محیط زیست شهری و احداث و توسعه بوستان و فضای سبز، ایجاد کارگاه‌های تولیدی، توسعه فضاهای آموزشی، برگزاری جلسات و گردهمایی‌های آموزشی، احداث سالن و زمین‌های ورزشی، حمایت و جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای افراد ناتوان، تسهیلات اعتباری و مالی برای شهر و شهروندان و اجرای طرح‌های پیشگیری از بلایای طبیعی) و تلاش مسئولین برای شناسایی نیازهای شهروندان، رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۳. رابطه بین تلاش مدیران و برنامه‌ریزان با شناسایی مسایل و نیازهای شهروندان؛ با آزمون اسپیرمن

متغیرها	مقیاس	مقدار همبستگی	سطح معناداری
اجرای پروژه‌های عمرانی و زیر بنایی شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۱	۰.۳۶
حفاظت آب‌های سطحی و لایروبی رودخانه شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۲۵	۰.۰۳
حفاظت محیط زیست و احداث بوستان و فضای سبز شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۱۵	۰.۱۸
ایجاد اشتغال و درآمدزایی شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	-۰.۱	۰.۷۵
ایجاد کارگاه‌های تولیدی و صنایع دستی شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۱۸	۰.۳۶
توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۱	۰.۳
برگزاری جلسات و گردهمایی‌های آموزشی شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۲	۰.۳
ایجاد و احداث سالن و زمین ورزشی شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۲	۰.۱
حمایت و جمع‌آوری کمک‌های مردمی شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۲	۰.۱
تسهیلات و اعتباری و مالی برای شهروندان شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۲۱	۰.۳۶
حفظ بهداشت عمومی و دفع اصولی زباله‌ها و فاضلاب شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۲۴	۰.۰۴
اجرای قوانین دولتی، برقراری نظم و انتخابات شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۲۰۱	۰.۰۶۱
اجرای طرح‌های پیشگیری از بلایای طبیعی شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان	ترتیبی	۰.۲۰۴	۰.۱۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

جهت بررسی و ارزیابی رابطه‌ی بین میزان درآمد و سطح تحصیلات شهروندان با مشارکت در طرح‌های شهری از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که میزان درآمد و سطح تحصیلات با افزایش مشارکت در امور شهری رابطه معناداری ندارد و این دو متغیر مستقل (میزان درآمد و سطح تحصیلات) تأثیری بر متغیر وابسته (مشارکت) ندارد. به عبارتی دیگر اساساً مقوله‌ی مشارکت در طرح‌ها و امور شهری باید درونی و خودجوش باشد.

جدول ۴. بررسی و ارزیابی رابطه بین میزان درآمد و سطح تحصیلات شهروندان با مشارکت

سطح معناداری	درجه آزادی	کای سکوئر		
۰.۲۴۶	۱۴	۱۷.۱۸۵	Step	Step 1
		۱۷.۱۸۵	Block	
		۱۷.۱۸۵	Model	
۰.۲۳۱	۱	۱.۴۳۶	Step	Step 2
		۱.۴۳۶	Block	
		۱.۴۳۶	Model	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

جدول ۵. بررسی و ارزیابی رابطه‌ی بین میزان درآمد و سطح تحصیلات شهروندان بامشارکت

متغیرها	مقدار ضریب B	انحراف معیار S.E.	درجه آزادی df	Sig. سطح معناداری	Exp(B)
تحصیلات	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱۳	۰.۷۲۳	۱.۰۰۰
درآمد	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱	۰.۹۶۷	۱.۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش انجام گرفته بیانگر آن است که شهروندان در اکثر طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و مشارکتی از آنان در تهیه‌ی طرح‌ها صورت نمی‌گیرد و مشارکت آنان در حد خیلی محدود در زمینه‌ی گردآوری اطلاعات اولیه و کمک‌های مالی و یدی در تهیه‌ی طرح‌ها می‌باشد. همچنین اکثر شهروندانی که در طرح‌ها مشارکت داشته‌اند (۵۶.۲ درصد) علت آن را، علاقه‌مندی به سرنوشت خود و توسعه شهر و همدلی و مسئولیت‌پذیری ذکر کرده‌اند که نشان از تمایل و علاقه‌ی مردم به همکاری و مشارکت در طرح‌های عمرانی را دارد.

موانع مشارکت از نظر شهروندان نیز به ترتیب اهمیت، عدم تمایل دولت و مدیران شهری به مقوله‌ی مشارکت، عدم توانایی مالی و درآمد پایین شهروندان، پایین بودن سطح آگاهی مردم، عدم انسجام اجتماعی و وجود اختلافات محلی و عدم وجود منفعت اقتصادی-اجتماعی، بیان شده است.

در تهیه‌ی اکثر طرح‌های اجرا شده، جهت عمران و آبادانی در شهر مورد بررسی، شناسایی نیازهای مردم توسط مدیران و برنامه‌ریزان صورت نمی‌گیرد. خواست و نظر آنان در نظر گرفته نمی‌شود و فقط به جنبه‌ی فنی و تخصصی آن توجه می‌شود و به جنبه‌های اجتماعی-رفتاری طرح‌ها (تأثیرات طرح بر روی رفتار و فرهنگ عمومی شهروندان) بی‌توجهی می‌شود. همچنین بررسی و ارزیابی متغیرهای تحصیلات و درآمد با مشارکت بیانگر آن است که رابطه‌ی بین دو متغیر با مشارکت معنادار نمی‌باشد و مشارکت اساساً خودجوش و خودخواسته می‌باشد. به منظور تعیین اولویت‌بندی طرح‌های لازم و قابل اجرا در سطح شهر در سال‌های آتی، نمونه آماری مورد مطالعه‌ی شهر، به ترتیب اهمیت، موارد بهسازی و تعریض معابر و پیاده‌روها و مسیرگشایی، زیباسازی جداره‌ی معابر و منظر شهری، احداث پارکینگ عمومی، قرار دادن سطل زباله در خیابان‌های فرعی و کوچه‌ها (بهداشت محیطی بافت حاشیه‌ای)، احداث مراکز تجاری عمده در سایر میادین شهر، احداث پارک گردشگری و کمپ اسکان مسافرتی و احداث تقاطع غیر هم‌سطح، را به‌عنوان اولویت طرح‌های عمرانی شهر بیان کرده‌اند. باتوجه به نتایج حاصل از تحقیق پیشنهادت زیر ارائه می‌گردد:

- به‌منظور عدم هدر رفت سرمایه و وقت، در طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای، اطلاع‌رسانی و در جریان قرار دادن شهروندان در روند و مراحل مختلف تهیه‌ی طرح و همچنین در جمع‌آوری اطلاعات اولیه و عملیاتی کردن آن، می‌تواند در مقبول بودن و اثر بخش بودن طرح برای شهروندان، مؤثر باشد.
- -ترویج و آموزش فرهنگ مشارکت در بین همهی اقشار جامعه؛ در جامعه‌ی ما قدرت تصمیم‌گیری در انحصار طبقه‌ی بالای اجتماعی-اقتصادی (مدیران و سرمایه‌داران) می‌باشد این طبقه باید بپذیرد که شهروندان هم، در تصمیم‌گیری سهیم هستند و حق دارند برای نیازهای خود، حداقل نظر بدهند و دیدگاه خود را بیان کنند.
- به‌منظور استفاده‌ی بهینه و سودمندان از مشارکت شهروندان در تهیه طرح‌ها، می‌توان با بالا بردن سطح آگاهی و دانش عمومی جامعه، اطلاع‌رسانی به‌موقع، صحیح و کامل در مراحل تهیه و اجرای طرح‌ها و آموزش حقوق شهروندی، این امر را محقق کرد.

- شناخت دقیق و جامع شهروندان از محیط زندگی خود، اطلاع از کاستی‌ها و نیازهای عمرانی منطقه‌ی خود و علاقه‌مندی به حل مشکلات محیط ساکن در آن، فرصت مناسب و ارزشمندی برای تصمیم‌سازان، برنامه‌ریزان و مجریان طرح‌های عمرانی می‌باشد که از مقوله‌ی مشارکت، جهت کارایی بیشتر طرح عمرانی، سود جویند و رضایت مردم از آن طرح را افزایش دهند.

## ۷. منابع

۱. ایمانی‌جاجرمی، حسین؛ بیگدلی، مهرناز و حناچی، سیمین، ۱۳۸۱، **مدیریت شهری پایدار - بررسی تجارب مشارکتی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرهای ایران**، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول، تهران.
۲. پاپلی‌یزدی، محمدحسین و رجبی‌سناجردی، حسین، ۱۳۸۹، **نظریه‌های شهر و پیرامون**، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.
۳. پیران، پرویز، ۱۳۸۷، **مشارکت (در امور شهری)**، دانش‌نامه‌ی مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. صص ۷۵۷-۷۵۸.
۴. تشکر، زهرا، ۱۳۷۹، **ناکارایی در اجرا**، مجله شهرداری‌ها، سال اول، شماره ۱۲، تهران. ص ۸.
۵. حسینی، سیدهادی؛ قدرتی، حسین و جوادیان، سیدمحمد، ۱۳۹۱، **تحلیلی بر جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه‌ی پایدار شهری مطالعه موردی شهر سبزوار**، چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد مقدس. ص ۳.
۶. رضوی‌الهاشم، بهراد و موسایی، میثم، ۱۳۸۸، **تحلیل SWOT مشارکت شهروندی در طراحی الگوهای برنامه‌ریزی مدیریت شهری (مطالعه موردی شهر تهران)**، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۷، صص ۱۹۵-۱۶۲.
۷. زیاری، کرامت... زندوی، مجدالدین؛ آقاجانی، محمد و مقدم، محمد، ۱۳۸۸، **بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج)**، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۳، صص ۲۱۸-۲۱۲.
۸. دارابی، حسن، ۱۳۸۷، **مشارکت، دانش‌نامه مدیریت شهری و روستایی**، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران. صص ۷۵۴-۷۵۷.
۹. دارابی، حسن، ۱۳۸۷، **مدیریت مشارکتی**، دانش‌نامه مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران. صص ۷۱۰-۷۱۳.
۱۰. سعیدنیا، احمد، ۱۳۸۲، **کتاب سبز شهرداری**، جلد یازدهم: مدیریت شهری، سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ دوم، تهران.
۱۱. سعیدنیا، احمد، ۱۳۸۳، **کتاب سبز شهرداری - جلد پنجم: طرح‌های شهری در ایران**، سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ سوم، تهران.
۱۲. شریف‌زاده، فتاح و صدقی، جواد، ۱۳۸۸، **عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر**، فصل‌نامه مطالعات مدیریت، سال نوزدهم، شماره ۵۹، تهران.
۱۳. علوی‌تبار، علیرضا، ۱۳۷۹، **بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها**، جلد اول: تجارب جهانی و ایران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۱۴. محسنی، رضاعلی، ۱۳۸۳، **جنبه‌های اجتماعی مدیریت کلان‌شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان**، فصل‌نامه مدیریت فردا، سال دوم، شماره ۷ و ۸، ص ۸۶.
۱۵. جمال، محمدجعفر، ۱۳۸۶، **طرح و اجرا در بهسازی بافت‌های فرسوده**، مجله شهرداری‌ها، سال هشتم، شماره ۸۱، تهران. ص ۵.
۱۶. مزینی، منوچهر، ۱۳۷۴، **مدیریت شهری و روستایی در ایران - مشکلات و امکانات آن**، وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن)، تهران.
۱۷. مطوف، شریف، ۱۳۷۸، **نقش مشارکت مردم در برنامه‌ریزی توسعه‌ی کشور**، فصل‌نامه‌ی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، پیش‌شماره سوم.
۱۸. مطوف، شریف و فلاحی، علیرضا، ۱۳۸۳، **دیدگاه‌های مشارکت در اجتماعات محلی**، همایش توسعه‌ی محله‌ای چشم‌انداز توسعه‌ی پایدار شهر تهران، شهرداری تهران. ص ۱۳.
۱۹. مطیعی‌لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۲، **برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران**، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
۲۰. منظمی‌تبار، جواد، ۱۳۸۵، **نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی**، فصل‌نامه دانش انتظامی، شماره اول.

۲۱. مؤذن‌جامی، محمدهادی، ۱۳۷۸، **نقش مشارکت مردمی در تقویت اجتماعی**، فصل‌نامه دانش انتظامی، شماره دوم.
۲۲. مهندسین مشاور شارمند، ۱۳۷۸، **شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعه شهری**، جلد دوم: بررسی تجارب تهیه و اجرای طرح‌های توسعه‌ی شهری در ایران، سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول، تهران.
۲۳. نجاتی‌حسینی، سید محمود، ۱۳۷۹، **پارادایم جدید مدیریت شهری**، فصل‌نامه مدیریت شهری، سال اول، شماره ۱، بهار. ص ۸.
۲۴. نجاتی‌حسینی، سید محمود، ۱۳۸۱، **سیاست و شهروندی**، فصل‌نامه مدیریت شهروندی، دوره سوم، شماره ۱۰، تابستان. ص ۴۳.
۲۵. نوریان، فرشاد و شریف، محمد، ۱۳۷۹، **نگرشی بر روند تهیه‌ی طرح‌های تفصیلی در شهرسازی**، چاپ دوم، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۲۶. ون‌دایک، ماینه‌پیتر، ۱۳۸۷، **مدیریت شهری**، ترجمه‌ی عباس سعیدی، دانش‌نامه مدیریت شهری و روستایی، صفحات ۷۰۷-۷۰۹، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۲۷. هویی‌زن، اندریس‌اوست، ۱۳۷۷، **مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی و توسعه نواحی شهری**، ترجمه‌ی ناصر برک‌پور، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۸ و ۴۹. ص ۹۶.

28. Arnestins., 2006, ladder of citizen participation, journal of planning association.
29. Ekstrom, Henrik; Dahlin Ivanof; and Elmastahl, Slove ,2007, Restriction in social participation and lower life satisfacation among fractured in pain results from the population study "Good aging in skane", Since direct (archives of gerontology and geriatrics, pp. 1-16.
30. Marshal, M., 2004, Citizen participation and the neighborhood context: a new at the co-production of local public goods, Political research quarterly, Vol 57, No 2, PP 231-244.
31. Peris J., Cebillo-Baque M.A., Calabuig C., 2011, Scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management, the experience in Arequipa during 2003-2006, Habitat international, No.35, pp: 84-92.
32. Sen A., 1999, Development as freedom, Oxford university press.
33. Driskell, David., 2002, Creating better cities with children and youth, a manual for participation, London and New York, Earthscan publication.
34. Thoening j.g., Fried Berge ., 1970, Politigues Urbanies Et Strategise Corporative. Sociology Dutravail Dolitague Urbine. Neu, Seuil, Paris.